

عنوان مقاله:

شهر آشوب مهستی، پناهگاه امن اعتراض

محل انتشار:

پژوهشنامه ادب غنایی، دوره 13، شماره 24 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

روح انگیز کراچی - پژوهشگاه علوم انسانی

خلاصه مقاله:

شهر آشوب‌های مهستی تعریضی است به شاعران ستایشگر و ممدوحان شیفته ی قدرت در جامعه‌ای طبقاتی که مدیحه اعتبار خاصی داشت و ارزش حاکمان به مدیحه سرایان درباری بود. هدف این مقاله شناخت نشانه‌های پنهان این رفتار کنایی در معانی ضمنی شعر زنی شاعر در قرن ششم هجری قمری است. دوره ی سلجوقی به لحاظ شعری دوره ی اوج رونق شعرهای مدحی بود، اما مهستی برخلاف شاعران ستایشگر، شعرهای اجتماعی واکنشی سرود. چرایی این موضوع در مقاله ی حاضر با رویکرد جامعه شناسی ادبیات در سه بخش بررسی گردید، الف: نخست شرایط سیاسی، اجتماعی دوره ی مورد بحث و تاثیر آن بر شعر مطالعه گردید و جریان شعر ستایشی و کارکرد آن مورد بررسی قرار گرفت. ب: به سنت‌های فرهنگی محدود کننده که زن را از مقابله ی رویارو برحذر می‌کند و همچنین به وضعیت زنان و شرایط زنی شاعر اشاره شد. پ: با برداشت کلی از شهر آشوب‌های مهستی و تبیین رفتار زنانه او در برابر جریان شعر مدحی، مقاله نتیجه می‌گیرد که مهستی نخستین زن شاعری است که با رفتاری خردمندانه در قالب رباعی، شعر اجتماعی شهر آشوب را در مقابل مدح پادشاه و درباریان به شناخت و ستایش طبقه ی کارگر و مشاغل آن ها اختصاص داد و به گونه‌ای کنایی اعتراض خود را نسبت به شاعران مدیحه-سرا و ممدوحان نشان داد و مدح را که خاص طبقه ی خواص بود از اعتبار انداخت.

کلمات کلیدی:

مهستی، شهر آشوب، شعر اعتراضی، شعر غنایی، دوره ی سلجوقی، شعر زنانه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/861004>

